

غلبه بر اهریمن با نیکی



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: رومیان باب‌های ۱۲ و ۱۳.

آیه حفظی: «هم شکل این جهان نشوید بلکه به وسیله تجدید افکار، وجود شما تغییر شکل یابد تا بتوانید اراده خدا را تشخیص بدهید و آنچه را که مفید و پسندیده و کامل است، بشناسید.» (رومیان باب ۱۲ آیه ۲).

اگر چه پولس بدنبال آگاه نمودن رومیان از برداشت نادرستشان از شریعت می باشد، همه مسیحیان را نیز به معیار والای فرمانبرداری فرا می خواند. اطاعت از تغییر درونی در قلب و ذهن بوجود می آید، تغییری که تنها از طریق قدرت خدا در فردی است که تسلیم او می شود. رساله رومیان شامل هیچ اشاره ای به اینکه این اطاعت بخودی خود حاصل میشود نیست. ذهن فرد مسیحی باید در مورد آنچه از او خواسته شده روشن شود؛ او باید برای اطاعت از آن خواسته ها اشتیاق داشته باشد؛ و در نهایت، فرد مسیحی باید بدنبال قدرتی باشد که بدون آن، فرمانبرداری ناممکن است.

این بدین معناست که اعمال، بخشی از ایمان مسیحی هستند. پولس هرگز قصد کم ارزش نمودن اعمال را ندارد؛ او در باب های ۱۳ تا ۱۵ بر اعمال تأکید زیادی می کند. این مطلب به هیچ وجه انکار آنچه که قبلاً درباره عادل شمرده شدن از طریق ایمان گفته است، نمی باشد. در مقابل، اعمال تجلی درست از چیزی است که زندگی با ایمان را مفهوم میبخشد. حتی می توان استدلال نمود که بدلیل مکاشفه ای که پس از آمدن عیسی اضافه گردید، الزامات عهد جدید دشوارتر از آنچه میباشند که در عهد قدیم لازم بود. به ایمانداران عهد جدید در عیسی مسیح، الگویی مناسب از رفتار اخلاقی داده شد. او و نه هیچ کس دیگری الگویی را نشان میدهد که باید از آن تبعیت کنیم «پس همین فکر در شما باشد که» [نه موسی، نه دانیال، نه داود، نه سلیمان، نه خنوخ، نه دبور و نه الیاس] «مقدم بر عیسی نبودند.» (فیلیپیان باب ۲ آیه ۵).

معیاری بالاتر از این وجود ندارد و نمی تواند باشد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۳ دسامبر آماده شوید.

۱۷ دسامبر

یکشنبه

خدمت خردمندانه شما

بخش اصول تعلیمی رساله رومیان، با فصل ۱۱ خاتمه می یابد. فصل های ۱۲ تا ۱۶ دستورالعمل های عملی و نکات شخصی را ارائه می کنند. با این وجود، این فصل های پایانی بسیار مهم هستند زیرا نحوه زندگی ایمانی را نشان می دهند. برای تازه واردان، ایمان جایگزینی برای اطاعت نیست، بطوری که ایمان به نوعی وظیفه ما را در اطاعت از خداوند باطل می سازد. احکام اخلاقی همچنان قابل اجرا هستند؛ آنها در عهد جدید توضیح داده شده و تقویت شده اند. و همچنین هیچ اشاره ای نشده است که هماهنگ نمودن زندگی فرد مسیحی با این احکام اخلاقی آسان خواهد بود. بلعکس، به ما گفته شده است که گاهی می تواند دشوارتر باشد زیرا مبارزه با نفس و گناه همیشه سخت است. (اول پطرس باب ۴ آیه ۱). به فرد مسیحی قدرت الهی و اطمینان داده شده که پیروزی امکان پذیر است، اما ما همچنان در دنیای خصم بسر می بریم و باید مبارزات زیادی علیه وسوسه انجام دهیم. خبر خوش این است که در صورت سقوط و یا لغزش، رانده نخواهیم شد بلکه کاهنی اعظم داریم که بخاطر ما وساطت می کند. (عبرانیان باب ۷ آیه ۲۵).

رومیان باب ۱۲ آیه ۱ را بخوانید. مقایسه ارائه شده در اینجا چگونه نحوه زندگی ما مسیحیان را آشکار می سازد؟ رومیان باب ۱۲ آیه ۲ چگونه با این آیه منطبق است؟

پولس در رومیان باب ۱۲ آیه ۱ به قربانی کردن های عهد قدیم اشاره می کند. همانطور که در قدیم حیوانات برای خدا قربانی می شدند، اکنون نیز مسیحیان باید جسم های خود را تسلیم خدا کنند - نه اینکه کشته شوند بلکه به عنوان قربانی های زنده وقف خدمت او باشند.

در زمان اسرائیل کهن هر پیشکشی که برای قربانی کردن آورده می شد، بدقت مورد بررسی قرار می گرفت. در صورت وجود هر گونه عیب در حیوان، رد می شد، زیرا خدا فرمان داده بود که پیشکش بدون عیب باشد. بنابراین به مسیحیان دستور داده شده است بدنهای خود را به عنوان قربانی زنده مقدس پسندیده خدا، ارائه کنند. به منظور انجام

اینکار، تمام قدرت های ایشان باید به بهترین شکل ممکن حفظ شود. اگر چه هیچ کدام از ما بدون عیب نیستیم، نکته این است که باید تا جایی که می توانیم، بدنال یک زندگی پاک و وفادارانه باشیم.

«به وسیله تجدید افکار، وجود شما تغییر شکل یابد» (رومیان باب ۱۲ آیه ۲). رسول به این صورت پیشرفت (مسیحی) را توصیف می کند؛ زیرا او به کسانی که قبلاً مسیحی شده اند اشاره می کند. زندگی مسیحی بدین معنی نیست که ثابت بایستید بلکه باید از آنچه که خوب است به آنچه که بهتر است، تبدیل شوید.» - مارتین لوتر، Commentary on Romans, pp. ۱۶۷, ۱۶۸. حرکت از خوب به بهتر در زندگی مسیحی به چه معناست؟

۱۸ دسامبر

دوشنبه

هوشیارانه اندیشیدن

در این ثلث درباره ابدی بودن احکام اخلاقی خدا بسیار زیاد صحبت کرده ایم و بارها تاکید نموده ایم که پیام پولس در رساله رومیان چنین تعلیم می دهد که ده فرمان منسوخ شده است و یا به نوعی از طریق ایمان، باطل نگردیده است. با این وجود، چنان گرفتار کلمات احکام شده ایم که روح احکام را فراموش کرده ایم. و آن روح محبت است - محبت برای خدا و یکدیگر. در حالی که همه می توانند ادعای محبت کنند، آشکار نمودن این محبت در زندگی روزانه می تواند موضوعی کاملاً متفاوت باشد.

رومیان باب ۱۲ آیات ۳ تا ۲۱ را بخوانید. ما باید چگونه محبت خود را نسبت به دیگران آشکار سازیم؟

همانطور که در اول قرن تیان باب های ۱۲ و ۱۳ آمده است، پولس پس از اشاره به عطایای روح، محبت را اعتلا میبخشد. محبت (به یونانی agape) شیوه عالی تری از محبت را بازگو میکند. «خدا محبت است» (اول یوحنا باب ۴ آیه ۸). بنابراین، محبت شخصیت خدا را توصیف می کند. محبت نمودن یعنی رفتار کردن با دیگران آنگونه که خدا رفتار می کند و عمل نمودن در برابر دیگران مانند خدا می باشد.

پولس در اینجا نشان می دهد که این محبت چگونه باید به شیوه ای عملی ابراز شود. یک اصل مهم بوجود می آید و آن تواضع شخصی است: تمایل فرد به نداشتن «فکرهای بلندتر از آنچه شایسته است» (رومیان باب ۱۲ آیه ۳)، تمایل به «اکرام یکدیگر بیشتر از خود» (رومیان باب ۱۲ آیه ۱۰)، و تمایل به «خود را بالاتر از دیگران ندانستن» (رومیان باب ۱۲ آیه ۱۶). سخنان مسیح درباره خود چنین تداعی میکند که: «یوغ مرا بگردن گیرید و از من تعلیم یابید، زیرا من بردبار و فروتن هستم و جانهای شما آرامی خواهد یافت» (متی باب ۱۱ آیه ۲۹).

از بین همه مردم، مسیحیان باید متواضع ترین باشند. گذشته از هر چیز به این نکته بنگرید که ما تا چه حد درمانده هستیم. ببینید تا چه میزان گمراهیم. و ببینید تا چه حد نه تنها وابسته به عدالتی خارج از خود برای نجات بلکه همچنین نیرویی در خود به منظور تغییر بگونه ای که خود هرگز از عهده آن بر نمی آئیم. ما چه چیزی برای بالیدن داریم؟ ما چه چیزی برای خودستایی داریم؟ ما چه چیزی از خود داریم که بتوانیم به آن افتخار کنیم؟ هیچ چیز. ما برای شروع این فروتنی فردی - نه تنها در برابر خدا بلکه در برابر دیگران - باید آنگونه که پولس در این آیات به ما اندرز می دهد، زندگی کنیم.

رومیان باب ۱۲ آیه ۱۸ را بخوانید. شما تا چه حد بخوبی این پند را در زندگیتان در حال حاضر اعمال می کنید؟ آیا ممکن است به منظور انجام آنچه کلام خدا در آن به ما می گوید، رفتارتان را اصلاح نمایید؟

۱۹ دسامبر

سه شنبه

مسیحیت و حکومت

رومیان باب ۱۳ آیات ۱ تا ۷ را بخوانید. چه اصول اساسی درباره روش هایی که از طریق آنها می توانیم با قدرت مدنی حکومت ارتباط برقرار کنیم، می توانیم از این آیات بدست آوریم؟

آنچه سخنان پولس را بسیار جالب می سازد این است که او آنها را در زمانی که یک امپراطوری بت پرست بر جهان حکمرانی می نمود، نوشت - امپراطوری که می توانست بسیار وحشی، در هسته فاسد باشد، که چیزی درباره خدای حقیقی نمی دانست و در طی تنها چند سال شروع به آزار و اذیت کسانی که خواستار عبادت آن خدا بودند، می نمود. درواقع، پولس توسط حکومت به مرگ محکوم شد! اما با وجود همه اینها پولس

از این طرفداری می نمود که مسیحیان حتی تحت حکمرانی چین حکومتی، شهروندانی خوب باشند؟

بله. و این بدین دلیل است که ایده دولت خود در کتاب مقدس مشاهده می شود. مفهوم و اصل دولت از طرف خدا مقرر شده است. انسانها نیازمند زندگی در یک اجتماع با قوانین و مقررات و معیارها می باشند. هرج و مرج مفهومی نیست که بر پایه کتاب مقدس باشد.

با گفتن این، مفهومش این نیست که خدا همه اشکال دولت ها یا آنگونه که همه حکومت ها عمل می کنند را می پذیرد؛ بر عکس. لازم نیست برای دیدن برخی از این رژیم های بی رحم بجاهای دوردست در تاریخ یا در این جهان بنگریم. با این وجود حتی در شرایطی مانند این، مسیحیان باید تا حد امکان، از قوانین سرزمینشان اطاعت کنند. مسیحیان باید تا جایی که مطالبات حکومت با آنچه خدا می خواهد در تضاد نباشد، با وفاداری از آن حکومت حمایت کنند. فرد باید پیش از رفتن به راهی که او را در تضاد با قدرت های حاکم قرار می دهد، مسئله را با دقت و دعا و مشورت با دیگران بررسی کند. ما از نبوت می دانیم که همه پیروان وفادار خدا روزی در برابر قدرت های سیاسی حاکم بر جهان خواهند ایستاد (مکاشفه یوحنا باب ۱۳). تا آن زمان، ما باید در برابر خدا شهروندانی خوب در کشور محل زندگیمان باشیم و هر کاری که می توانیم، انجام بدهیم. «ما باید حکومت بشری را به عنوان یک حکم تعیین شده الهی به رسمیت بشناسیم و اطاعت از آن را به عنوان یک وظیفه مقدس در حوضه مشروع آن تعلیم بدهیم. اما زمانی که مطالبات آن در تضاد با مطالبات خدا هستند، ما باید بجای بشر از خدا اطاعت کنیم. کلام خدا باید بالاتر از هر قانون بشری به رسمیت شناخته شود...

«ما ملزم به مبارزه علیه مقامات حکومتی نیستیم. سخنان ما، شفاهی یا کتبی، باید بدقت سنجیده شوند تا مبادا خود را به عنوان کسی که مخالف با قانون و مقررات است مشخص کنیم. ما نباید چیزی غیرضروری بگوییم یا کاری انجام بدهیم که جلوی راه ما را سد کند.» - الن جی. وایت، *The Acts of the Apostles*, p. 69

۲۰ دسامبر

چهارشنبه

یکدیگر را محبت کنید

«هیچ چیز به کسی مقروض نباشید، به جز محبت به یکدیگر. کسی که دیگران را محبت کند، شریعت را بجا آورده است.» (رومیان باب ۱۳ آیه ۸). ما چگونه باید این آیه را درک کنیم؟ آیا بدین معناست که اگر محبت بورزیم، دیگر ملزم به اطاعت از شریعت خدا نیستیم؟

همانطور که عیسی در موعظه روی کوه انجام داد، پولس در اینجا احکام شریعت را با نشان دادن اینکه محبت باید قدرت محرک پشت کارهای ما باشد قوت می بخشد. از آنجایی که شریعت رو نوشت شخصیت خداست و خدا محبت است، از این رو، محبت کردن به معنی تحقق بخشیدن شریعت می باشد. با این وجود، پولس نوعی معیار مبهم محبت را با احکام دقیق شریعت جایگزین نمی کند، آنگونه که برخی از مسیحیان ادعا می کنند. احکام اخلاقی همچنان الزام آور هستند زیرا بار دیگر این چیزی است که گناه را مشخص می کند - و چه کسی می تواند واقعیت خدا را انکار کند؟ با این وجود، احکام تنها در زمینه محبت می توانند بدرستی نگاه داشته شوند. بیاد داشته باشید برخی از آنهایی که مسیح را به صلیب کشیدند، به خانه بازگشته و احکام را نگاه داشتند!

پولس به چه فرمانهایی به عنوان نمونه هایی که اصل محبت را در نگه داشتن شریعت نشان می دهند اشاره می کند؟ چرا بطور خاص این فرمانها را ذکر می کند؟ (رومیان باب ۱۳ آیات ۹ و ۱۰).

جالب توجه است که عامل محبت، اصلی نبود که تازه معرفی شده باشد. پولس با نقل قول لایان باب ۱۹ آیه ۱۸، «همسایه خود را مثل خویشتن محبت نما» نشان می دهد که این اصل، یک بخش کامل از نظام عهد قدیم بود. پولس بار دیگر برای حمایت از موعظه انجیل خود به عهد قدیم اشاره می کند. برخی از این آیات چنین استدلال می کنند که پولس تعلیم می دهد که تنها چند فرمان که در اینجا اشاره شده، الزام آور هستند. اگر چنین باشد، پس آیا این بدین معناست که مسیحیان می توانند به پدر و مادر خود بی احترامی کنند و بت ها را بپرستند و خدایان دیگری در برابر خداوند داشته باشند؟ مطمئناً خیر.

به موضوع متن در اینجا توجه کنید. پولس به نحوه ارتباط افراد به یکدیگر اشاره می کند. او به روابط شخصی اشاره دارد که به همین دلیل فرمان هایی که در مرکزیت این روابط قرار دارند را ذکر می کند. استدلال او قطعاً نباید به عنوان باطل کننده سایر احکام تلقی شود. (اعمال رسولان باب ۱۵ آیه ۲۰، اول تسالونیکیان باب ۱ آیه ۹، اول یوحنا باب ۵ آیه ۲۱ را ببینید.) علاوه بر این، همانطور که نویسندگان عهد جدید اشاره می کنند ما با نشان دادن محبت به یکدیگر، محبتمان را به خدا نشان می دهیم (متی باب ۲۵ آیه ۴۰، اول یوحنا باب ۴ آیات ۲۰ و ۲۱).

در مورد رابطه خود با خدا و نحوه انعکاس آن در رابطه خود با دیگران بیاندیشید. عامل محبت تا چه میزان در آن روابط دارای اهمیت است؟ چگونه می توانید بیاموزید که به دیگران آنگونه که خدا به شما محبت می کند، محبت بورزید؟

اکنون زمان نجات ماست

« به علاوه شما می دانید که ما در چه زمانی هستیم و می دانید که موقع بیدار شدن از خواب رسیده است. امروز نجات ما از آن روزی که ایمان آوردیم، نزدیکتر است.» (رومیان باب ۱۳ آیه ۱۱).

همانطور که در تمام دروس این ثلث بیان نمودیم، پولس تمرکز خاصی بر این رساله به رومیان داشت و این برای روشن ساختن نقش ایمان و اعمال در زمینه عهد جدید برای کلیسای روم - بویژه ایمانداران یهودی در آنجا - بود. موضوع نجات و نحوه عادل و مقدس شمرده شدن گناهکار در برابر خداوند بود. پولس برای کمک به کسانی که تمام تاکیدشان بر شریعت بود، شریعت را در نقش و زمینه مناسبش قرار می دهد. اگر چه در حالت ایده ال، یهودیت حتی در زمانهای عهد قدیم مذهبی از فیض بود، احکامگرایی بوجود آمد و خسارت های زیادی ببار آورد. ما به عنوان یک کلیسا باید بسیار مراقب باشیم که همان اشتباه را تکرار نکنیم.

رومیان باب ۱۳ آیات ۱۱ تا ۱۴ را بخوانید. پولس در اینجا درباره چه رویداد هایی سخن می گوید و ما در انتظار این رویداد ها، چگونه باید عمل کنیم؟

چقدر جالب است که پولس در اینجا با ایمانداران صحبت می کرد و به ایشان می گفت که از خواب بیدار شده و حواس خود را جمع کنند زیرا عیسی باز خواهد گشت. این واقعیت که این مطلب تقریباً دو هزار سال قبل نوشته شد، اهمیتی ندارد. ما باید همواره در انتظار نزدیک بودن آمدن مسیح زندگی کنیم. تا آنجایی که به همه ما مربوط می شود، و تا آنجایی که تجربیات شخصی خودمان مشخص می سازند، بازگشت مسیح به نزدیکی مرگ احتمالی خودمان است. اینکه ما هفته بعد یا ۴۰ سال دیگر چشمان خود را در مرگ فرو ببندیم و اینکه ما ۴ روز یا ۴۰۰ سال بخوابیم - تفاوتی برایمان ندارد. اولین چیزی که پس از آن درک خواهیم نمود، آمدن دوباره عیسی است. از آنجایی که مرگ همواره بطور بالقوه نزدیک هر کدام از ماست، زمان در حقیقت کوتاه است و نجاتمان

نزدیکتر از زمانی است که نخست ایمان آوردیم.

اگر چه پولس در رساله رومیان به آمدن دوباره مسیح به مقدار زیادی نمی پردازد، در رساله های تسالونیکیان و قرنتیان بیشتر به آن با جزئیات اشاره می کند. گذشته از هر چیز، این یک موضوع بسیار مهم در کتاب مقدس و بویژه در عهد جدید می باشد. بدون آن و بدون امیدی که ارائه می دهد، ایمان ما در واقع بی معنی است. گذشته از هر چیز، «عادل شمرده شدن از طریق ایمان» بدون آمدن دوباره که حقیقت شگفت انگیزی که نتیجه را کامل می کند، چه مفهومی دارد؟

اگر شما بطور قطع می دانستید که عیسی ماه بعد می آید، چه چیزی را در زندگیتان خود تغییر می دادید و چرا؟ اگر بر این باورید که باید این چیزها را یکماه پیش از آمدن مسیح تغییر دهید، چرا نباید آنها را اکنون تغییر دهید؟ تفاوت آن در چیست؟

۲۲ دسامبر

جمعه

تفکری فراتر: «اراده خدا در کتاب مقدس آشکار شده است. حقایق کلام خدا اظهارات قادر مطلق است. کسی که این حقایق را بخشی از زندگی خود می کند، در هر مفهوم مخلوقی جدید می شود. به او قدرت های ذهنی جدید داده نمی شود، بلکه تاریکی که از طریق جهل و گناه، درک او را تیره ساخته بود از بین می رود. عبارات «دل تازه به شما خواهم داد» به معنی این است که «روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد.» تغییری در قلب همواره با اعتقاد راسخ و روشن وظیفه مسیحی، درکی از حقیقت همراه می باشد. کسی که توجهی دقیق و با دعا به کتاب مقدس دارد، درکی شفاف و قضاوتی درست بدست خواهد آورد، آنگونه که گویا با روی آوردن به خدا به سطح بالاتری از فهم

رسیده است.» - الن جی. وایت، *My Life Today*, p. 24

«خداوند ... بزودی می آید و ما باید برای ظهور او آماده و منتظر باشیم. آه، دیدن او و مورد استقبال قرار گرفتن به عنوان نجات یافتگان او چقدر باشکوه خواهد بود! ما مدت زیادی منتظر هستیم اما نباید امیدمان کمزنگ شود. اگر ما بتوانیم پادشاه را در زیبایی اش ببینیم، برای همیشه برکت داده خواهیم شد. احساس می کنم که باید با صدای بلند فریاد بزنم ... ما در حال نزدیک شدن به زمانی هستیم که مسیح در قدرت و جلالی زیاد خواهد آمد تا نجات یافتگان را به خانه ابدیشان ببرد» - الن جی. وایت،

Testimonies for the Church, vol. 8, p. 253.

سوالاتی برای بحث

۱. در کلاس در مورد پرسش پایان مطالعه روز پنج شنبه پردازید. پاسخ های مردم به

این پرسش چه بود و چگونه آنها را توجیه می کردند؟

۲. این پرسش که ما چگونه باید شهروندانی خوب و مسیحیانی خوب باشیم، می تواند گاهی پیچیده باشد. اگر کسی نزد شما می آمد و میخواست برای آنچه که بخاطر آن ایستادگی کرده مبتنی بر ایمان به اراده خداست - حتی اگر او را در تضاد با حکومت قرار می داد - شما به او چه می گفتید؟ چه مشاوره ای می دادید؟ چه اصولی را باید دنبال کنید؟ چرا این چیزی است که ما باید تنها با حداکثر جدیت و دعا ادامه دهیم (گذشته از هر چیز، همه کسانی که به داخل چاه شیرها انداخته می شوند، بدون صدمه بیرون نمی آیند).

۳. فکر می کنید انجام کدام مورد دشوارتر است: تبعیت سخت در نگاه داشتن احکام یا محبت داشتن نسبت به خدا و دیگران بدون قید و شرط؟ یا اینکه می توانید استدلال کنید که این پرسش یک دوگانگی نادرست ارائه می دهد؟ اگر چنین است، چرا؟

۴. همانطور که به پایان این فصل نزدیک می شویم، در کلاس در مورد آنچه که از رساله رومیان آموختید که به درک شما از اهمیت اصلاحات کمک زیادی می کند، صحبت کنید. رومیان درباره آنچه ما باور داریم و دلیل آن، چه چیزی به ما آموخت؟